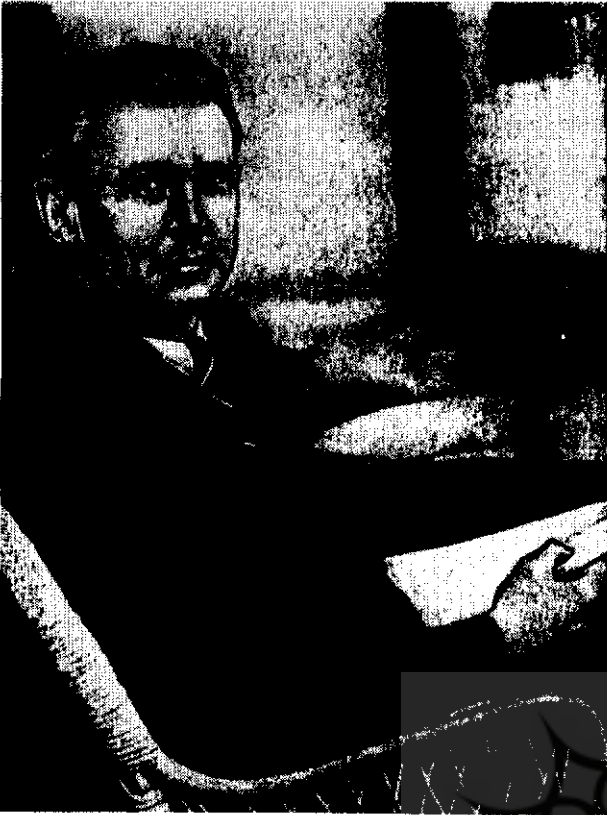


آخرین نامه الکساندر فادهیف



الکساندر الکساندروویچ فادهیف نویسنده نامدار روس، روز ۱۳ ماه مه ۱۹۵۶، حدود ساعت ۱۵ در باغ خود واقع در «پرد لکینو» به وسیله یک تپانچه خودکشی کرده و بدین ترتیب زندگی نویسنده بزرگی که در دل میلیونها تن از مردم شوروی جای داشت و آثار بسیاری خلق کرده بود، این گونه به پایان رسید.

فادهیف به سال ۱۹۰۱ در شهر تور (Tver) و در میان خانواده‌ای روستایی به دنیا آمد. پدرش معلم بود و مادرش پرستار، اما از طریق کشاورزی امرار معاش می‌کردند، از اینرو الکساندر از همان اوایل کودکی با زندگی دردناک کشاورزان و کارگران آشنا شد. او در سال ۱۹۱۸ عضو حزب کمونیست شوروی شد و از سال ۱۹۳۹ به عضویت کمیته مرکزی حزب در آمد و از دوره دوم، طی سه دوره پیاپی به نمایندگی شورای عالی اتحاد جماهیر شوروی برگزیده شد.

وی که از رهبران اتحادیه نویسندگان شوروی بود، مدتی نیز به عنوان نایب رئیس شورای جهانی صلح خدمت می‌کرد. از جمله برجسته‌ترین آثار این نویسنده می‌توان به طغیان (۱۹۲۴) خلاف جریان (۱۹۲۳) شکست (۱۹۲۷) آخرین نفر (۱۹۳۶) و گارد جوان (۱۹۴۶) اشاره کرد که اثر مذکور موفق به دریافت جایزه استالین شد و پس از آن نیز دو نشان افتخار لنین برای وی به ارمغان آورد.

فادهیف - حدود ساعت ۱۵ وارد اتاق خواب پدرش شد، جسد وی را در حالی که زخم گلوله‌ای بر سینه داشت مشاهده کرد. در کنار پیکر فادهیف، یک اسلحه کمری از نوع «ناگان» و نامه‌ای خطاب به کمیته مرکزی حزب کمونیست روی زمین قرار داشت. متن این نامه اخیراً در مطبوعات اتحاد شوروی سابق منتشر شده است. در اینجا برگردان این نامه را که از ماهنامه «مرکز ترجمه و ارتباطات ادبی» جمهوری آذربایجان (فوریه ۱۹۹۱، شماره ۲) برگرفته شده می‌خوانید:

از این نویسنده تاکنون سه اثر به فارسی برگردانده شده است: شکست با ترجمه رضا شلتوکی، گارد جوان با ترجمه سهراب دهخدا، و آخرین نفر با ترجمه فرهاد غبرایی.

در بازجویی‌هایی که در همان ایام به دنبال خودکشی فادهیف به عمل آمد، معلوم شد که وی روز ۱۲ ماه مه در منزل خود واقع در مسکو، با دو نویسنده دیگر یعنی «س. مارشاک» و «ن. پوگودین» ملاقات کرده و چند ساعتی با آنان به صحبت پرداخته است. آ.آ. فادهیف، عصر همان روز همراه پسر یازده ساله‌اش به باغ خود در «پرد لکینو» رفته و تا آخرین دقیق زندگی در آنجا بوده است، بر اساس گفته خانم کنبویچ منشی فادهیف، او بعد از

«دیگر زندگی غیر ممکن است، چون هنری که همه عمرم را به پایش ریخته‌ام تحت رهبری خشن حزب خفه شده و دیگر نمی‌تواند سلامت خود را باز یابد. بهترین نیروهای ادبی از لحاظ فیزیکی سرکوب یا در نتیجه جنایات سران حزب نابود شده‌اند. بهترین نیروهای ادبیات، دچار مرگ زودرس شده‌اند؛ آنها که آثاری نسبتاً باارزش آفریده‌اند، پیش از آنکه به چهل - پنجاه سالگی برسند، از دنیا رفته‌اند. ادبیات نیز که برایم از هر چیزی مقدس‌تر است، به دست کسانی - که تریبونهای کنفرانس مسکو و بیستین کنگره حزب را با شعارهای توخالی در اختیار دارند، و در شمار عقب مانده‌ترین عناصر به حساب می‌آیند - سپرده شده تا به وسیله آنها از هم پاشیده شود. چنین شیوه‌ای که برای به اصطلاح «بهبود» اوضاع اتخاذ شده، موجب خشم و غضب می‌شود، زیرا در اینجا - به استثنای شماری از انسانهای درستکار که نمی‌توانند حقیقت را به زبان بیاورند - یک مشت آدمهای احمق جمع شده‌اند. اینان از نظر فکری بکلی مخالف لنین هستند. طبق عادات بوروکراسی گفته‌های خود را به زور بر کرسی می‌نشانند. نسل ما، در زمان حیات لنین با احساس آزادی و گسترش

خاصی با به عرصه ادب گذاشته بود و دل‌هایمان از نیروی بی‌پایانی برخوردار بود. ما چه آثار زیبایی آفریده بودیم و می‌توانستیم بیافرینیم. پس از مرگ لنین ما را تا سر حد امکان تحقیر کردند و این همه را به حساب «حزبی بودن» گذاشتند. اکنون که همه چیز را می‌توان درست کرد، حماقت و ساده‌لوحی کسانی که زمام امور را در دست دارند، نمایان می‌شود.

ادبیات زیر سلطه آدمهای بی‌استعداد، بست و کینه‌توز قرار دارد. انسانهای انگشت شماری که شعله مقدس ادبیات را در دلشان زنده نگاهداشته‌اند، از هر گونه حقوقی محروم هستند و در وضعیت یک برده به سر می‌برند و عمرشان دیگر به پایان رسیده، چون دردلشان هیچ عشق و علاقه‌ای برای آفرینش ادبی نمانده است.

من برای یک خلاقیت ادبی بزرگ به خاطر کمونیسم آفریده شده‌ام، از ۱۶ سالگی به حزب، کارگران و روستاییان دل بسته‌ام. با استعداد خدا دادی خارق‌العاده، همواره گرفتار عالیترین تفکرات و احساساتی که به ارتباط مردم با بهترین ایده‌های کمونیسم کمک می‌کرد، بوده‌ام، ولی مرا به حیوانی زبان بسته تبدیل کرده‌اند. من همه عمر خود را زیر سنگینی اعمال

بوروکراتیک بی‌شمار اشخاص نالاین تازیان خورده‌ام. وقتی به راه عمری که پشت سر نهاده‌ام می‌نگرم، یادآوری تنبیه‌ها و نصیحت‌های بی‌شمار و اتهامات ایدئولوژیکی، برام بسیار سخت است.

ادبیاتی که بهره عالی نظام نوین بود تحقیر و نابوده شده است. آنان در حالیکه در برابر لنین سجده می‌کنند به اندازه‌ای در اشتباه هستند که من هیچ اعتمادی به آنها ندارم، زیرا از آنها اعمالی فجیع‌تر از کارهای استالین خونخوار انتظار می‌رود. او [استالین] حداقل با سواد بود، اینان ولی بی‌سوادند.

زندگی من به عنوان یک نویسنده معنای خود را از دست می‌دهد و با شوری همچون رهایی از این هستی منفرود که زیر باران رذالت، دروغ و افترا قرار گرفته از دنیا می‌روم.

آخرین امیدم این بود که اینها را به اطلاع گردانندگان حکومت برسانم، اما بدون توجه به خواسته‌هایم سه سال است که دیگر از پذیرش من خودداری می‌کنند.

خواهش می‌کنم مرا در کنار مزار مادرم دفن کنید.

آ.آ. فادهیف ۱۳۰۵۰۵۸ (۱۳ مه ۱۹۵۶)

ترجمه امین صدیقی



متخصصان تاریخ هنر همواره در پی کشف آثار هنری هستند و میکل آنژ از این نظر برای آنها موضوع مناسبی است. هنگامی که مسئولان ناسیونال گالری تابلوی به خاکسپاری مسیح را تمیز کردند دریافتند رنگهایی که میکل آنژ به کار می‌برده، «تیره‌تر» از رنگهای نقاشان هم‌عصرش بوده است. اما پس از تمیز کردن سقف کلیسای واتیکان، آشکار شد که رنگهای میکل آنژ در آنجا «شفافتر» است.

بیشتر موارد کشف آثار میکل آنژ در حقیقت اصل دانستن یک اثر کپی است، که اگر به شیوه‌ای مستدل بیان شود هم باعث افزایش قیمت اثر و خشنودی صاحب آن و هم کسب اعتبار بیشتر برای مورخ هنر می‌شود.

مایکل هیرست، استاد

تاریخ هنر در Courtauld Institute (کسی که اخیراً طرح کلتوباترا اثر میکل آنژ را کشف کرد) تعداد طرحهای اصل میکل آنژ را ۷۸۵ طرح بر روی «بیش از ۶۰۰ ورق» اعلام کرد. این رقم زمینه بحث و آرای مختلف شد. الکساندر پریگ، مورخ آلمانی اظهار می‌دارد که بیشتر مورخان اکنون ادعا می‌کنند که تعداد آثار اصل میکل آنژ بالغ بر ۶۰۰ ورق است، حال آنکه در سال ۱۹۶۰ این رقم در حدود ۲۵۰ بود.

علت این افزایش حیرت‌آور چیست؟ آیا این افزایش در مدت یک نسل بر پایه تحقیقات درستی است؟ پاسخ این سؤالات موضوع اساسی کتاب الکساندر پریگ با نام طرحهای میکل آنژ: علم تشخیص اصالت است.

به اعتقاد پریگ مورخان از یاد برده‌اند که برای آشنایی با شیوه طراحی میکل آنژ باید نخست طرحهایی را که بنابر شواهد تاریخی اصل هستند بررسی کرد، و به جای آن از این ملغمه اصل و کپی آنچه را

می‌پسندند انتخاب می‌کنند. این روش ذهنی و تأثیرپذیرانه با هیچ محکی قابل قبول نیست، بویژه که موجب گرد آمدن انبوه اطلاعات نادرست تاریخی می‌شود.

روش پریگ بر نظامی تحلیلی که از مقایسه چند طرح - یقیناً اصلی - حاصل شده استوار است. از این راه ویژگیهای منحصر به فرد کار میکل آنژ به دست می‌آید، یعنی نوعی «اثر انگشت» پای.

اما روش پریگ چندان مورد قبول نیست، زیرا اولاً نظام تحلیلی مبتنی بر یک اثر که شاید هم تنها بخشی از یک اثر کامل باشد، به لحاظ منطقی مصادره به مطلوب است. ثانیاً طرحهایی که از لحاظ تاریخی تأیید نشده باشد لزوماً کپی نیست. اما مشکل اساسی عدم یافتن ویژگیهای روشن و خاص آثار میکل آنژ است که شیوه پریگ نیز آن را حل نمی‌کند، زیرا دیدگاه او نسبت به اثر مکانیکی است، به بیان ساده پریگ محو آثار به جای مانده از هنرمند می‌شود و توجهی به علت

وجودی آنها ندارد. این موضوع در مورد آثار میکل آنژ بسیار پیچیده‌تر است، زیرا او همواره بر روی هنرمندان مستعدی که حتی ویژگیهای شاخص او را نیز تقلید می‌کنند، تأثیر داشته است.

به همین دلیل تا زمانی که به روشهای پیشرفته‌تری دست نیافته‌ایم، می‌توان از روش مکانیکی پریگ، به دلیل ویژگیهای فراگیر آن، استفاده کرد. تقلید هنرمندی از دیگری در حقیقت به «بیان متفاوت از یک درون‌مایه» می‌انجامد، زیرا هنرمند مقلد ناخودآگاه سلیقه خود را در اثر می‌گنجاند.

برای مثال پریگ در رد نسبت نقاشی با گچ قرمز به میکل آنژ می‌گوید:

این نقاشی با استفاده از پرگار، از روی طرح اولیه کشیده شده است، زیرا نقاشی دقیقاً در نقاطی که طرح وضوح خود را از دست داده است، وضوح ندارد. اما این روش در دوران میکل آنژ هنوز ابداع نشده بود.

بزرگداشت ناظم حکمت

به مناسبت نودمین سال تولد ناظم حکمت، شاعر و نمایشنامه‌نویس ترک که به سال ۱۹۶۳ و به حالت تبعید در مسکو درگذشت مراسم فرهنگی ویژه‌ای در استانبول برگزار می‌شود.

برپایی این مراسم را که شامل نشست و میزگرد، برگزاری نمایشگاه اجرای موسیقی و نمایش فیلم درباره زندگی، آثار ادبی و اندیشه‌های سیاسی ناظم حکمت است، «مؤسسه ناظم حکمت» عهده‌دار است. در این مراسم ویراتولیاکوا بیوه ناظم حکمت - که سالها آثار او در زایبومش ممنوع بوده - و همچنین خواننده آمریکایی ژانپایز و شخصیت‌های سیاسی چپ و راست ترکیه و نیز ادیبان این کشور حضور خواهند یافت. این مراسم به هزینه وزارت فرهنگ ترکیه و شهرداری استانبول برگزار خواهد شد.

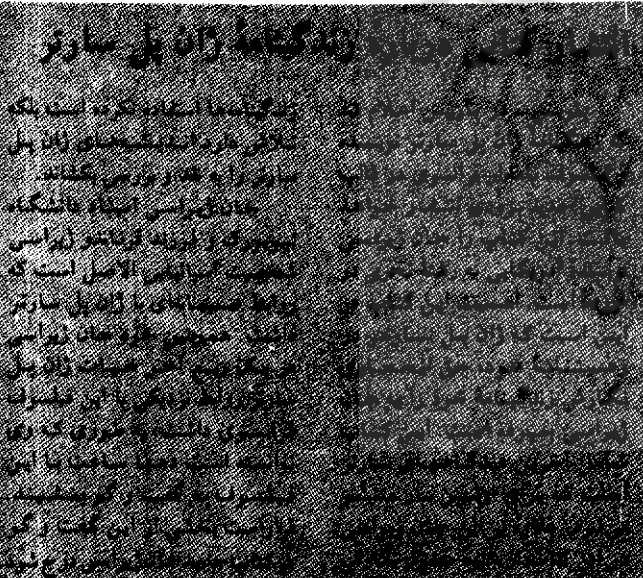
ناظم حکمت در سال ۱۹۰۲ متولد شد و پیش از تبعید به شوروی در سال ۱۹۵۱، بارها به زندان افتاد و به دنبال آن حکومت وقت ترکیه از



وی سلب ملیت کرد. ناظم حکمت همچنین از سوی حکومت ترکیه به اتهام موضع‌گیریهایش در حمایت از شوروی و عضویت در حزب کمونیست - که در آن زمان غیرقانونی بود - به خیانت متهم شد. آثار ناظم حکمت که انتشار آنها تا سال ۱۹۷۰ در ترکیه ممنوع بود تاکنون به بیشتر از بیست زبان مختلف ترجمه شده است. وی که با وارد کردن شعر آزاد به ادبیات ترکیه نهضتی تازه به راه انداخت، در نمایشهایش از مارکسیسم الهام گرفت. چندین مجموعه شعر و نمایشنامه، پرونده ادبی ناظم حکمت را تشکیل می‌دهد.

انتشار کتاب راهنمای تابلوها و آثار هنری مسروقه جهان

پاریس - اولین راهنمای جهانی تابلوها و آثار هنری مسروقه به دو زبان انگلیسی و فرانسوی در پاریس منتشر شد. این راهنما در ۱۲۰۰ صفحه شامل ۶۵۰۰ اثر فنی به سرقت رفته در جهان تنظیم شده است. در این راهنما عکسهای سیاه و سفید،



کلیشه آثار و خلاصه‌ای توصیفی از آن به چاپ رسیده است. بهای هر یک از تابلوها و آثار هنری به سرقت رفته از ده هزار دلار به بالاست.

مارتین مونیستیه نویسنده کتاب در مورد اهمیت چاپ آن می‌گوید: اهمیت انتشار این راهنما کاملاً بدیهی است، زیرا بسیاری از تابلوها و آثار هنری به سرقت رفته توسط علاقه‌مندان خریداری و جمع‌آوری می‌شود که عمدتاً حسن نیت دارند و از ماجرای این آثار بی‌اطلاعند.



زمان در دل زمان خاطرات آندری تارکوفسکی



دست یافتن به عمق ذهن و افکار تارکوفسکی کارگردان روسی شاهکارهای تار و تیره سینمای مدرن، جاذبه زیاد دارد، بویژه که افکار روزمره فیلمساز درباره عشق و تبعید و کودک و سینما و هنر و بیماری و استبداد توأمان در این کتاب گرد آمده است.

در کتاب زمان در دل زمان تارکوفسکی از رمز و راز آفرینش آثارش با خود می‌گوید: از مرآت‌هایی که در ساختن فیلم «ابله» کشید؛ از اولین جوانه طرح فیلمهای «نوستالژی» و «استاکر» که در ذهنش پیدا شده؛ از رویاهایش [فیلمهای پر از تالاب و مه و خرابه] می‌گوید و لا به لای این گفته‌ها با لطیف‌های زندگی در فضای استبداد بوروکراسی مضحک را نشان می‌دهد. «دیروز مست کردم و سیلم را زدم. صبح متوجه اشتباهم شدم. در تمام مدارک دولتی عکس‌ها با سیلم است.»

در این کتاب نوشته‌های تارکوفسکی دست چپین شده است بی‌آنکه توانی خاصی رعایت شده باشد و یا پی‌نوشتی روشنگر در کار باشد، اما خواننده را با جاذبه‌ای بی‌نظیر با خود می‌برد، و البته اطلاعاتی را که خواننده عادی از آن بی‌خبر است روشن می‌کند از جمله اینکه چرا تارکوفسکی به ایتالیا رفت و چرا مقامات دولتی به فیلمهای او اجازه نمایش نمی‌دادند؟ از این طریق می‌توان کورمال کورمال از هزار توی پر پیچ و خم ذهن این هنرمند عبور کرد.

گوناگونی خاطره‌ها شگفت است. تارکوفسکی همزمان از هر دزی سخن می‌گوید. درباره یکی از روزهای ماه اوت سال ۱۹۷۰ می‌گوید: «آندریوشکا [پسر تارکوفسکی] چنان خودش را خسته کرده بود که از فرط خواب بی‌هوش شد. بچه باهوشی است و گریه نمی‌کند و خیلی آرام است. سقف خانه بیلاقی را باید مرمت کنم و خانه تعمیرات کلی دارد. مشغول

جایزه صد هزار دلاری برای «جوهری»

از سوی حکومت امارات، جایزه «سلطان عویس» به شاعر مشهور عراقی محمد مهدی جوهری اختصاص یافت.

عبدالله عبدالقادر،

خواندن آثار توماس مان هستم، مان ناپه است! مرگ در ونیز بی‌نظیر است! پته رغم طرح داستان مضحکشی.»

تارکوفسکی برای تأمین مخارج فیلمهایش همیشه در مضیقه بود. ساختن فیلم ناب در فضای استبداد دشوار است اما در فیلمهای او سازش کاری وجود ندارد. شاید بجز آن بتوان گفت که هیچ آفریننده تراژدیهای مدرن چون تارکوفسکی دست به گریبان تراژدیهای شخصی نبود، تا اینکه سرانجام در ۵۵ سالگی سرطان او را از پای در آورد. با این حال تارکوفسکی فقط به داوری الهی اعتقاد داشت.

اما همان گونه که از عنوان کتاب زمان در دل زمان بر می‌آید بزرگترین هدف هنر ایجاد شمای از جاودانگی پرتالو و آرام در فضای محدود زندگی هنرمند است.

جشنواره تاتار در بغداد

یوسف صانغ سرپرست دفتر سینما و تئاتر در عراق اعلام کرد که ۹ کشور عربی موافقت خود را برای شرکت در سومین جشنواره تئاتر عرب که در ماه فوریه به مناسبت نخستین سالگرد جنگ خلیج فارس برگزار می‌شود، اعلام کرده‌اند. کشورهای که در این جشنواره شرکت می‌کنند عبارتند از: اردن، یمن، تونس، الجزایر، مراکش، سودان، لیبی، موریتانی و لبنان. عده‌ای از هنرمندان مصر و یک گروه نمایشی نیز به این جشنواره دعوت شده‌اند. وزارت فرهنگ و تبلیغات عراق اعلام کرد که در کنار این جشنواره یک «کنفرانس مردمی اسلامی» نیز برگزار می‌شود که در آن شخصیت‌های اسلامی از گوشه و کنار جهان شرکت خواهند کرد. همچنین از دهم فوریه و در جنب این برنامه‌ها جشنواره شعری نیز برگزار خواهد شد.

انسان‌شناسی و بلاغت بود. گراس، در میلانوی ایتالیا از پدری ایتالیایی و مادری آلمانی به دنیا آمد. او نظریات خود را در سال ۱۹۲۵ مطرح کرد، سپس در «روم» و «پادو» به تدریس مشغول شد و در سال ۱۹۴۸ هنگامی که مرکز بررسیهای علوم انسانی و فلسفه تاسیس شد، به سرپرستی آن منصوب گردید و پس از آن تدریس فلسفه را در ایالات متحده آمریکا به عهده گرفت.

بحران سانسور در مصر

سازمان حقوق بشر مصر، طی بیانیه‌ای خواستار برداشتن هرگونه سانسور از عرصه فرهنگ در این کشور شد.

این بیانیه در اعتراض به مصادره و جمع‌شدن هشت کتاب از نمایشگاه بین‌المللی کتاب در قاهره - به‌دستور الازهر - صادر شده است.

ایسن سازمان که در مصر رسمیت قانونی ندارد، این‌گونه جمع‌آوری و مصادره کتاب را در مصر بی‌سابقه خوانده و با استناد به قانون اساسی، الازهر را فاقد صلاحیت نظارت و سانسور بر آثار ادبی و علمی و فرهنگی دانست. از سوی دیگر شیخ شعراوی با محکوم کردن کسانی که خواستار دوری الازهر از فضای فرهنگی و ادبی مصر شده‌اند گفت: الازهر از دیدگاه اسلام سخن می‌گوید و لازم است که بر تمام انتشارات اعم از مطبوعات فرهنگی و ادبی و دینی، نظارت تام و تمام داشته باشد.

در همین زمینه سعید العشماوی که اخیراً پنج کتاب از آثارش از سوی الازهر ممنوع و جمع‌آوری شده گفت: موضع فعلی الازهر نوعی تلاش برای عقب‌نماندن از قافله حرکت‌های اسلامی در الجزایر و سودان است. العشماوی می‌گوید.

به‌نظر من بعد از حوادث الجزایر و وجود نظام‌های اسلامی در سودان و ایران، الازهر می‌کوشد تا پیشاپیش نقشی مطبوع و موافق طبع حرکت اسلامی مصر ایفا کند تا در آینده که حرکت‌های اسلامی حکومت را در مصر به دست می‌گیرند، جایگاه مطلوبی داشته باشد.



سرپرست مؤسسه جایزه «سلطان عویس» طی سخنانی راه‌اندازی دوباره این مؤسسه را گامی تازه در جهت تلاش برای تشویق نیروهای کارآمد در زمینه‌های ادبیات، نقد، اندیشه و مطالعات انسانی و اقتصادی دانست.

جوهری از بزرگترین شاعران شعر کلاسیک معاصر عرب است که حدود هفتاد سال یعنی از دهه سی تاکنون فعالیت شعری داشته است. او در سال ۱۹۰۳ در شهر نجف، و در میان خانواده‌ای که به علم و ادب شهرت دارد متولد شد و هم‌اکنون در دمشق سکونت دارد. دیوان الشعر و العاطفه، حله الادب و ۸ دیوان کامل شعر به همراه کتابی از خاطرات وی که اخیراً به چاپ رسیده، کارنامه ادبی او را تشکیل می‌دهد. اشعار جوهری تاکنون به چندین زبان ترجمه شده است.

درگذشت ارنستو گراس

ارنستو گراس، فیلسوف آلمانی - ایتالیایی در سن ۸۹ سالگی در مونیخ درگذشت. گراس درس خود را نزد فیلسوف مشهور «مارتین هایدگر» فرا گرفت. او استاد فلسفه،



مسابقه طراحی آرم

سازمان پارکها و فضای سبز شهر تهران از کلیه هنرمندان
طراح و گرافیکست و عموم علاقه‌مندان در سراسر کشور
دعوت می‌نماید در مسابقه طراحی آرم این سازمان
شرکت نمایند.

شرایط مسابقه

- ۱ - آرم در قطع A4 بصورت رنگی یا سیاه و سفید تهیه گردد.
- ۲ - دارای ارزش هنری و گرافیکی لازم باشد.
- ۳ - اهداف سازمان از قبیل:
الف - طراحی فضای سبز
ب - برنامه‌ریزی
ج - سیاستگذاری و آموزش در امور مربوط به پارکها و فضای سبز
در آن نهفته باشد.
- ۴ - مهلت ارسال طرحها تا تاریخ ۷۱/۳/۲۰ می‌باشد.

جوایز مسابقه

- ۱ - نفر اول - پنج سکه بهار آزادی
 - ۲ - نفر دوم - سه سکه بهار آزادی
 - ۳ - نفر سوم - دو سکه بهار آزادی
- هنرمندان و علاقه‌مندان طراح می‌توانند طرحهای خود را به آدرس
میدان آرژانتین - ابتدای خیابان بیهقی پلاک ۱۵ و یا
به صندوق پستی ۱۵۸۷۵/۴۶۵۸ ارسال نمایند.

روابط عمومی سازمان پارکها و فضای سبز شهر تهران

